



قاسم بصری  
وکیل پایه یک دادگستری

## درباب فرجام دعاوی غیر پولی کمتر از دو بیست هزار ریال

نظر باینکه کانون وکلا و مجله‌های حقوقی و وکلای دادگستری برای خود این فریضه و دین را قبول دارند که در اجرای عدالت واقعی، حد اعلای مجاهدت و مطالعه را نموده و آنچه را - که در تعمیم عدالت واقعی و اجرای روح قانون لازم می‌دانند - در معرض بحث و اطلاع قرار دهند، لذا مورد فوق را - که امروز مبتلابه واقع شده است - مورد بحث قرار میدهد:

۱- بحکم مصرحات قانون اساسی بویژه اصول ۷۵ و ۸۹ متمم قانون اساسی و بحکم صریح ماده ۵۸۳ قانون اصول محاکمات مصوب ذی‌حجه ۲۹ و ماده ۱۶۳ قانون تشکلات اولیه دادگستری - که در ماده ۴۶۷ آیین دادرسی کیفری مصوب قبل از تشکلات ۱۳۰۶ و ماده ۵۷۹ آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ تأیید و تأکید شده - دیوانعالی تمیز علاوه بر این که مرجع رسیدگی به درخواست فرجام و قضاوت نهایی در مورد اصحاب دعوی است، نیز ناظر اجرای روح قانون می‌باشد.

۲- با اشاره به بند الف و ب ماده الحاقی به اصلاح دادرسی مدنی و بند ۸ و ۶۳ و ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ دایر به اصلاح مواد ۸۸ و شق ۳ ماده ۵۲۱ و شق ۱ ماده ۵۹۳ و تبصره اضافی به ماده ۵۹۳ استنباط می‌شود:

هرگاه وزارت دادگستری در سال ۴۹ آیین دادرسی مدنی را از لحاظ تسریع و رسیدگی و حذف مرحله غیابی و فرجام تا دعاوی دو بیست هزار ریال مقرر داشته و در واقع با این اصلاح ۵۰٪ از دعاوی مدنی را - که کمتر از ۲۰ هزار تومان است - غیر قابل فرجام دانسته و تحمل نقصان زیادی - که به عواید دولت وارد می‌شد - نمود؛ ولی براساس مقررات سه‌گانه اصلاحی در شماره ۲ نظرش به سرعت دعاوی تجاری سفته و برات و چک بوده که به‌گردش و نظام سالم اقتصادی کمک کرده باشد

و در مورد دعاوی ملکی - که تقویم بهای خواسته حقیقی نبوده بلکه مجازی می باشد - بحکم بند الف و ب ماده الحاقی به اصلاح آیین دادرسی مدنی برمی آید که قانونگذار در دعاوی غیر پولی، طرفی جهت اجرای عدالت واقعی و رسیدگی به دفاع خوانده و محکوم علیه مقرر داشته که ذیلا توضیح میدهد:

الف: با توجه به ماده ۸۸ قبل از اصلاح و عبارت اضافی به ماده ۸۸ (یا مؤثر در قابل پژوهش و فرجام بودن حکم باشد) برمی آید قبلا هرگاه خواهان خلع ید از ملکی را - که يك ميليون تومان ارزش داشت - به ۵۰۱۰ تومان تقویم می نمود، خوانده از نظر تقویم حق ایراد نداشت چون در صلاحیت مؤثر نبود، اما اینک که دادگاه شهرستان حکم خلع ید صادر می کند یا دادگاه استان حکم را تأیید می کند، میتواند با استفاده از بند الف ماده الحاقی و عبارت ماده ۸۸ اصلاحی و حکم مندرجه در ماده ۲۰۱ (مگر اینکه سبب ایراد بعد حادث شود) دادخواست پژوهش یا فرجام داده محکوم به را به ۲۱۰۰۰ تومان تقویم و الصاق تمبر نماید؛ چون علاوه بر این که بهای خواسته قبلی خواهان مجازی بوده، تقویم محکوم به در اختیار پژوهشخواه و فرجامخواه میباشد.

ب: با اشاره به شق ۳ ماده ۵۲۱ اصلاحی و با توجه به شق ۲ ماده ۵۲۷ اصلی که به قوت خود باقی مانده است و شاخص آنست که شق ۱ ماده ۵۲۲ عام خاص مطلق نیست.

در آیین دادرسی برابر ماده ۵۲۷ به محکوم علیه حق داده شده بود حتی از حق اعتراض و پژوهش صرفنظر و طی ۳۱ روز بازخواست فرجامی بدهد، و نیز نسبت به احکام قطعی دادگاه شهرستان یا استان در صورت غیابی ۲۱ روز و در صورت حضوری طی ۱۰ روز اعاده بخواهد. با لغو مرحله غیابی، این مدت برای فرجام از حکم بدوی ۲۱ روز و در مورد اعاده دادرسی نیز دو حق داده شده که در بند ج توضیح میدهد.

بنابراین قانونگذار در شق ۳ ماده ۵۲۱ به محکوم علیه حق داد که از پژوهش صرفنظر و از حکم بدوی محکوم به آن عشر از ۲ هزار تومان باشد، تقاضای فرجام کند - و نظر قانونگذار و کمیسیون تدوین کننده قانون این بوده که بالغاء مرحله غیابی و اصل «الغائب» بتواند در مواردی که در يك دعوی مهم ۵۰۰ هزار تومانی - که خواهان خواسته را به ۱۹۰۰ تومان تقویم و حکم خلع ید گرفته - مواجه نشده با استفاده از ماده ۸۸ دادخواست پژوهش داده و هرگاه مهلت پژوهش منقضی و حکم قطعی اجراء شد، بحکم شق ۳ ماده ۵۲۲ تقاضای فرجام کند.

و تردید نیست با وجود بقای حکومت شق ۲ ماده ۵۲۷، شق ۱ ماده ۵۲۲ عام مطلق نیست زیرا در مورد محکوم به زاید از ۲۰ هزار تومان، محکوم علیه میتواند طی ۲۱ روز دادخواست فرجام بدهد؛ پس شق ۳ مندرجه در همان ماده، حکم خاص و خروج از قاعده عام است.

اضافه میشود که چون نظر قانونگذار معلوم شد يك فرضی پیش می آید که

با توجه به روح ماده ۳ قابل امان نظر قضائی باشد.  
هرگاه به سبب رد دادخواست پژوهشی از جهت مدت یا رفع نقص، حکم قطعی شد آیا شامل حکم مزبور میشود یا خیر؟ محتاج بحث مشروح است، شاید از طریق سوم بشود استفاده کرد.

ج: با اشاره به شق ۱ و تبصره ماده ۵۹۳ قانون اصلاحی اخیر به محکوم علیه دو حق داده:

- ۱- تقاضای فرجام از حکم قطعی غیر قابل فرجام از نظر غیر ماهوی.
- ۲- استدعای اعاده از نظر ماهوی - که قبلاً در شماره های ۹۰ الی ۱۰۰ مجله کانون توضیحاتی داده و اتفاقاً اصلاحی اخیر نظریاتم تأیید میشود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی